یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم

امیر پورمند

یکی از روزهای مهرماه سال ۸۵ بود که در دفتر خبرگزاری ایسنا نشسته بودم که یکی از همکاران خبر داد دختربچه‌ای (عاطفه) سر خیابان شهدای ژاندارمری در ۱۰۰ متری در خبرگزاری کنار سطل آشغال نشسته است. به همراه یکی از خبرنگاران سرویس اجتماعی به سراغش رفتیم. وضعیت او همانی بود که در عکس قابل مشاهده است. من چند عکس از این وضعیت گرفتم. نکته‌ای که توجه من را بسیار جلب کرد این بود که آن دختر از شدت گرسنگی و خستگی به گوشه‌ای افتاده است و به گربه‌ای که درکنارش مشغول غذا خوردن است، نگاه می‌کند و دیگران هم شاید بی‌تفاوت از کنار او عبور می‌کنند. ما پس از عکاسی او را به داخل خبرگزاری بردیم و با ماموران نیروی انتظامی و بهزیستی هم تماس گرفتیم تا به خبرگزاری بیایند. بعداً معلوم شد پدر عاطفه که برای کار مجبور به ترک خانه و سفر به یکی از شهرهای شمالی شده، روزهاست از خانواده‌اش دور مانده اما عاطفه کوچک می‌گوید نامادری‌اش او را هر روز برای انجام این کار مامور می‌کند.

بعدها بنر بالای سایت ایسنا را به این کودک اختصاص دادند و جمله‌ای گمان می‌کنم شبیه «این کودک قادر نیست واژه «عدالت» را تلفظ کند» را در آن بنر آوردند. ایرانیان مقیم کشورهای خارجی خیلی برای کمک به این کودک تماس می‌گرفتند اما واقعیت این بود که او آخرین جامانده قطار عدالت نبوده و نخواهد بود.

گفتاری درباره انجمن‌های عکاسی در کشور

بودن یا نبودن مساله چیست

پیام برازجانی

همواره این گونه بوده است که گروهی از افراد برای نیل به اهداف مشترک اعم از صنفی، هنری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با روشی مشترک اقدام به تشکیل سازمانی به نام انجمن می‌کنند. در واقع مهم‌ترین عاملی که باعث اختلاف معنای انجمن با یک گروه یا دسته می‌شود داشتن هدف مشترک است.[1] عکاسی نیز از این موضوع مستثنی نیست. عکاسی ایران که سابقه‌ای یکصد و چندساله دارد، اکنون دارای چندین انجمن است؛ از انجمن‌هایی چندنفره تا چندصد نفره با گستره‌های مختلف ملی و استانی و شهرستانی. اما واقعیت تلخ این است که بسیاری از این انجمن‌ها کارکردها و فعالیت‌های نامشخص و پراکنده دارند یا بعضاً غیرفعال هستند. انجمن‌های عکاسی در کشور از سابقه طولانی برخوردار نیستند و نمی‌توان نامی از قدیمی‌ترین انجمن عکاسی برد زیرا هیچ منبع تاریخی در این باره وجود ندارد که این خود معضل دیگری برای عکاسی کشور است. به نظر می‌رسد اولین انجمن عکاسی ایران «انجمن عکاسی آبادان» بوده که توسط جمعی از عکاسان کارمند شرکت نفت در سال ۱۳۳۷ یعنی حدود ۵۰ سال پس از ورود عکاسی به ایران تشکیل شده و جنبه عام نداشته و فعالیت آن در حدود کارمندان شرکت نفت منحصر بوده است.[2]

بر اساس یک جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های مرتبط با عکاسی نام چند انجمن یافت خواهد شد. این انجمن‌ها با اهداف گوناگون و غالباً با افراد مشترک در فاصله بین سال‌های ۷۶ تا ۸۴ تاسیس شده‌اند و البته انجمن ملی عکاسی ایران که در سال ۱۳۸۸ به موجب مجوز وزارت کشور تشکیل شده است مراحل اولیه تاسیس آن در سال ۱۳۸۳ توسط جمعی از عکاسان مشهور و نمایندگان مراکز و انجمن‌های عکاسی طی شد که پیگیری و تاسیس آن تا سال ۸۸ به طول انجامید. انجمن ملی عکاسی ایران بزرگ‌ترین انجمن عکاسی کشور از حیث اعضاست. این انجمن با تعداد اعضایی حدود ۵۰۰ نفر که شاید حدود ۲۵ درصد کل جامعه عکاسی کشور باشند فعالیت می‌کند و غالب عکاسان شهیر و صاحب‌نام و حرفه‌ای کشور عضو این انجمن هستند. روند تشکیل این انجمن هم پروسه‌ای بسیار طولانی داشت که برای فراگیر بودن آن، هسته اولیه تاسیس تمام تلاش خود را معطوف به یافتن شیوه‌ای کرد که در نهایت به فراگیر بودن آن منجر شود. حتی هیات موسس این انجمن با رای‌گیری عمومی بین عکاسان کشور از جوان تا پیر و از حرفه‌ای تا آماتور که حدود ۸۰۰ نفر را تشکیل می‌دادند، انتخاب شد. البته در زمان تشکیل هسته اولیه برای تاسیس یک انجمن فراگیر و ملی که در نهایت منجر به تشکیل انجمن ملی عکاسی شد، منتقدان سرسختی برای این هدف نیز وجود داشت. بهمن جلالی و حلقه پیرامون وی را می‌توان از مخالفان سرسخت این انجمن نام برد. جلالی در مصاحبه‌ای برای مخالفت خود با تاسیس این انجمن می‌گوید: «به چند دلیل؛ یکی اینکه من از روز اول عرض کردم عکاسی جنبه ملی ندارد. برای چه کلمه ملی را در آن می‌آورید؟ فوتبال مثلاً ملی می‌شود. ما می‌گوییم تیم ملی فوتبال ایران. این عبارت چندین میلیون نفر آدم‌های این تیم‌اند. اگر جایی اول شود بیرق ایران را برایش بالا می‌برند و سرود ایران را می‌زنند. این جنبه ملی دارد ولی عکاسی جنبه ملی ندارد. روز اول هم گفتم این لغت جا نمی‌افتد و از نظر حقوقی هم درست نیست. نکته بعدی این است که عکاسی به دلیل شاخه‌های گوناگونی که دارد و این شاخه‌ها منافع مشترکی با هم ندارند، نمی‌توان آنها را در یک کاسه کرد. در هیچ جای دنیا چنین انجمنی نداریم، باز آقایان اعتنا نکردند و به هر حال اساسنامه‌ای با اهدافی بسیار بزرگ و دست‌نیافتنی نوشته و برای تایید به وزارت کشور دادند.

اولین واکنش وزارت کشور هم این بود که بگوید انجمن شما جنبه ملی ندارد و باید این لغت از نام انجمن حذف شود. اشکال دیگر وزارتخانه این بود که اگر نام ایران پسوند عنوان انجمن باشد تکلیف انجمن‌های کوچک شهرستانی چه خواهد شد.»[3] حرف‌های مرحوم جلالی از سوی وزارت کشور بسیار زود پاسخ داده شد. وزارت کشور هم با کلمه ملی موافقت کرد و هم با آوردن نام ایران در انجمن، اما پیش‌بینی دیگر جلالی مبنی بر غیرعملی بودن فعالیت این انجمن هنوز باقی است. چنان که با پیگیری اخبار انجمن ملی از تاریخ تشکیل و انتخاب هیات‌مدیره فقط چند خبر درباره انتخاب رئیس و سخنگو و کارت عضویت منتشر شده است نه خبر دیگری.

البته نه جلالی تنها مخالف انجمن ملی عکاسی ایران بود و نه انجمن ملی عکاسی تنها انجمن دارای مخالف. انجمن‌های فراگیرتر به تناسب فراگیریشان مخالف‌های متفاوت هم داشته‌اند مثلاً انجمن صنفی عکاسان مطبوعات از انجمن‌هایی است که مخالفت‌ها و انتقادهای بسیاری درباره آن وجود دارد. این مخالفت‌ها و انتقادها بعضی وقت‌ها از دایره مخالفان غیرعضو فراتر می‌رود و حتی در بین اعضا هم راه می‌یابد. در مواقعی برای انتخابات هیات‌مدیره این انجمن که نقش خاصی هم در بین عکاسی مطبوعات کشور ندارد مشاجرات بسیاری صورت می‌پذیرد و با ابطال چندباره هیات مدیره‌ای انتخاب می‌شود و باز استعفا می‌دهد و تکرار همان قصه.

نام انجمن	سال تاسیس
ملی عکاسی	۸۷
عکاسان مطبوعات	۷۸
عکاسان بحران	۸۳
عکاسی ایرانشهر	۷۹
عکاسان صنعتی و تبلیغاتی	۸۵
عکاسان انقلاب و دفاع مقدس	--
گردشگری و میراث فرهنگی	۸۴
عکاسان فردا	۸۴-۷۶
عکس شیراز	--
عکاسان کرمانشاه	۸۰
هنر عکاسی آذربایجان‌شرقی	۸۱
عکاسان نگاه	۸۵
کانون عکاسان اصفهان	۸۸
عکس هرمزگان	۸۵
کانون عکس مشهد	--

واقعیت این است که به نظر می‌رسد جامعه عکاسی کشور که البته اگر بشود بر آن نام جامعه‌ای با فاکتورها و معیارهای یک «جامعه» را نهاد، تکلیف خود را با نهادهایش و انتظاری که از آن دارد معلوم نکرده است.

در فاصله‌ای که عموماً نهادهای مدنی فعال شده بودند و تمایل مردم و علی‌القاعده هنرمندان برای تشکیل نهادهای صنفی و انجمنی بیشتر شده بود گروهی از عکاسان اقدام به تشکیل انجمن‌هایی با نام‌های متفاوت کردند تا بلکه بتوانند در حوزه‌هایی که عکاسان نمی‌توانند به طور انفرادی کاری از پیش ببرند به انجمن‌ها متوسل شوند. این جمله آخر البته از امیرعلی جوادیان عکاس جنگ و سابق خبرگزاری ایرنا و رایزن فرهنگی ایران در کرواسی است.[4]

امیرعلی جوادیان عضو هیات موسسه انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس، انجمن ملی عکاسی ایران، نایب‌رئیس انجمن عکاسان بحران و عضو هیات مدیره انجمن‌های عکاسان دوستدار میراث فرهنگی و انجمن دوستی ایران و کرواسی است. وجود این همه سمت برای یک عکاس در چند انجمن خود نشانگر دایره کوچک عکاسان فعال در این انجمن‌هاست و شاید باورش سخت باشد اما واقعیت دارد که این انجمن‌ها در تنوع اعضا با تفاوت‌های کمتر از ۲۰ درصد مواجه هستند.

شکل دوم در فعالیت این انجمن‌ها همین خلأ و نبود عدم فعالیت بخش بزرگ‌تر جامعه عکاسی و عکاسان کشور است؛ عکاسانی که تا به حال عضو هیچ انجمنی نشده و اگر هم شده‌اند اخبار آنها را پیگیری نمی‌کنند و هیچ برنامه‌ای و موفقیتی برای این انجمن‌ها متصور نیستند و در فضای فعلی کارکرد آنها را بی‌تاثیر می‌بینند.

از علل دیگر بی‌نتیجه یا کم‌فروغ بودن این انجمن‌ها که شاید هم خیلی جدی باشد حضور کمرنگ عکاسان مستعد و جوان و تازه‌نفس در بین اعضای اصلی و هیات مدیره این انجمن‌هاست به نحوی که اگر هم این عکاسان جوان تمایل به حضور موثر در ارکان اصلی انجمن داشته باشند اگر با مانع قدیمی‌ترها مواجه نشوند حتماً با رقابت جدی آنها مواجه خواهند بود.

مجید ناگهی که سال‌ها مدیر روابط عمومی و امور نمایشگاه‌های خانه عکاسان ایران بوده است در این باره می‌گوید: «درباره عدم حضور عکاسان جوان‌تر شاید ایشان احساس نیازی نمی‌کنند. البته از نظر من این نیاز به حضور وجود دارد که شاید جوان‌ترها هنوز به این درک نرسیده‌اند. بین نسل قدیم و جدید هم اختلافاتی وجود دارد و این از اشکالات فضاهای فرهنگی است چون اهداف بزرگ‌تری را فدای این اختلافات می‌کنند. عدم تناسب رشد در تعداد عکاسان و بازار عکاسی باعث شده است حضور نسل جوان از سوی قدیمی‌ترها به سختی پذیرفته شود و این موضوع منجر به اصطکاکات بیشتری در عقاید و فضاهای مختلف شده است.»

شاید عکاسی ایران و فعالیت‌های صنفی و گروهی آن نیازمند خونی تازه با افرادی تازه‌نفس است که در اجرا هماهنگ با ساختارهای جدید جامعه، علم روز و بهره‌مندی از تجربه گذشته باشند که این متاعی است که قطعاً در بین عکاسان و فعالان جدی عرصه عکاسی یافت خواهد شد و البته باور این اتفاق برای قدیمی‌ترها بسیار سخت و گران است ظاهراً.

شاید برای شروع باید انجمنی برای انتقال تجربه و مسوولیت از قدیمی‌ترها به جوان‌ترها به منظور حضور پررنگ‌تر و البته تواناتر ایشان در عرصه عکاسی ایجاد شود و از آنجا که توانا بود هر که دانا بود، پس جوان‌ترها حتماً نیازمند تجربیات گذشته هستند و این جز با خواست السابقون عکاسی به وقوع نخواهد پیوست و کسی چه می‌داند، شاید انجمن ملی عکاسی بتواند این مسوولیت را بر عهده گیرد و به نظر می‌رسد این‌گونه این انجمن به مفیدترین موقعیت کارکردی خود خواهد رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- ماهنامه آموزشی، خبری کاما، سال دوم، شماره سوم، اردیبهشت ۱۳۸۰

۲ - مصاحبه بهمن جلالی با سایت عکاسی درباره انجمن ملی عکاسی - articles/12663

۳ - همان

۴- سایت عکاسی - articles/12661

فتوبلاگ

ترجمه: سولماز حدادیان

شومی توماتسو؛ مردی که عکاسی ژاپنی را برای همیشه تغییر داد

عکس بالا در نگاه نخست شاید شبیه یک گربه یا سگی باشد که پوستش را کنده‌اند یا حتی بچه‌خوکی که از در یک رستوران بین راهی آویزان شده است. شاید هم مانند لاشه یک موجود نارس یا جهش‌یافته باشد. اما این در واقع، یک بطری نوشیدنی است که بر اثر حرارت غیرقابل تصور انفجار بمب هسته‌ای به این شکل آب شده و شبیه یک تکه گوشت شده است.

عکس بالا که عنوان بسیار ساده‌ای دارد، یکی از مشهورترین و سوررئال‌ترین عکس‌های شومی توماتسو است. او این عکس را وقتی روی مجموعه‌ای برای مجله با موضوع بازسازی شهر ویران‌شده کار می‌کرد، گرفت. توماتسو هم مانند بسیاری از ژاپنی‌های دیگر تصمیم گرفت به جای سرخورده شدن، به مقابله با این آسیب‌ها بپردازد و نگرش خود را نسبت به تاریخ کشورش و همچنین به عکاسی تغییر دهد. وی شهری را که نمادی از کل کشور بود به تصویر کشید؛ شهری که می‌کوشید در حالی که آثار گذشته دردآلود خود را از حافظه می‌زداید، آینده‌اش را نیز پله پله بنا نهد.

عکس «بطری آب‌شده» تنها یکی از آثار عجیب و غریب و دلخراشی است که از خرابی‌های بمب اتم به جا مانده است و توماتسو در یکی از روزهایی که در ناکازاکی برای پیدا کردن سوژه‌ای تاثیرگذار پرسه می‌زد آن را کشف کرد. از همان ابتدا متوجه شد که این شیء، قدرتی رمزآمیز دارد. این عکس هم مانند دیگر عکس‌های تاثیرگذار او عجیب و غریب است و برخلاف پارامترهای رایج گزارشی، مخاطب را به یک وادی ناشناخته و ناآشنا می‌کشاند. یکی دیگر از عکس‌های توماتسو، تصویر یک ساعت مچی است که عقربه‌هایش روی ساعت ۱۱:۰۲ یخ زده‌اند و تاریخ ۹ آگوست را نشان می‌دهد، یعنی همان زمانی که بمب اتم منفجر شد.لئو روبنشتاین موزه‌دار و منتقد امریکایی عکس‌های توماتسو از ناکازاکی را «حقایقی تلخ و زننده» می‌داند و معتقد است آنقدر میزان خسارت و تلفات وحشتناک بوده که هرگونه همدردی و دلسوزی زبانی می‌تواند یک توهین باشد. اما توماتسو وحشت همیشه ماندگار ناکازاکی را با پرتره‌های وحشت‌زده نجات‌یافتگان به تصویر کشید؛ عکس‌هایی که به خوبی بیانگر بهای سنگین روحی و فیزیکی‌ای هستند که این مردم برای این حمله اتمی پرداختند.

اگرچه او هنوز هم در خارج از ژاپن ناشناس مانده، اما در آستانه ۸۰سالگی‌اش هم‌اکنون بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین عکاسی است که در عصر پرتلاطم پس از جنگ پا به پای تاریخ کشورش پیش رفته است. مدت ۵۰ سال است که عکس‌های او به طور غیرمستقیم نمایانگر تغییرات فرهنگ ژاپن به دلیل حضور ارتش امریکا و در نتیجه آن، گسترش فرهنگ محبوب امریکایی بوده‌اند؛ فرهنگی که ژاپنی‌ها را به تدریج به ملتی برون‌نگر و مصرف‌گرا تبدیل کرده است. دو سری از مجموعه عکس‌های او، یکی به نام «اعتراض» (توکیو، ۱۹۶۹) و دیگری «خدای عشق» (توکیو، ۱۹۶۹) آیینه‌ای است از تغییرات آشفته فرهنگ جوانان عصر حاضر.

توماتسو یکی از بزرگان عکاسی ژاپن بوده است و نسل عکاسان جوان‌تر که در اواخر دهه ۶۰ به شهرت رسیدند به نوعی پیرو او شدند. برخی از این عکاسان، جنبشی را به نام جنبش پرووک (تحریک) بنا نهادند و درباره آن چنین نوشتند: «ما عکاسان برای کشف پاره پاره‌های واقعیت باید از چشمان خودمان استفاده کنیم و دنیای اطراف را به شکلی تازه و در خلاف جهت کلمات و باورهای کهنه و رایج نشان دهیم... آن چیزهایی را نشان دهیم که «محرکی» برای عقل و تفکرند.» اگرچه آثار توماتسو ۴۰ سال به خاطر نگرش اصلاح‌طلبانه، شیوه آزاد، سبک اکسپرسیونیست، زوایای عجیب و غریب دوربین و کادربندی‌های نامتعادل مورد ارزیابی و گاهی انتقاد قرار می‌گرفته است، اما او هم‌اکنون به عنوان یکی از پیشگامان عصر پرووک به‌شمار می‌آید. در سال ۲۰۰۶، نقطه عطف آثار توماتسو با نام «پوست ملت» در موزه هنر مدرن سان‌فرانسیسکو به نمایش درآمد و بسیاری از مخاطبانی را که با آثار او ناآشنا بودند مجذوب و شگفت‌زده کرد.

تغییرات سبکی‌اش، سوژه‌ها و نگرش دوپهلو او به نمادها و سنت‌های ژاپن توجه همگان را به خود جلب کرد. علاوه بر موضوع ناکازاکی و زخم‌هایی که بر جای گذاشت، سوژه همیشگی توماتسو تصادم شرق و غرب و تکانش‌های فرهنگی اخلاقی است که به دنبال دارد. از این رو عکس‌هایش پیچیده و گاهی هم متناقض‌اند. او شکارچی لحظات اوج زندگی است. گاهی ذهن را گمراه می‌کند و گاهی نیز حس صمیمیت می‌دهد. او رویاگرایی است که به پوست و آسمان، زمین و خیابان، مو و بتن به شیوه‌ای نوین می‌نگرد. دوربینش این سوژه‌ها را دریافت می‌کند و چیز تازه‌ای از آنها می‌سازد. بعد باورنکردنی زندگی توماتسو این است که بسیار گوشه‌گیر بوده و هرگز پایش را از ژاپن بیرون نگذاشته است.

خبر

انتشار «چشم»های جدید

جمعه دوم مهر ۸۹ نمایشگاه و رونمایی ۱۰ کتاب جدید از سری کتاب‌های «چشم» نشر ماه‌ریز در گالری محسن برگزار شد. در این نمایشگاه گزیده‌ای از آثار منتشرشده در این کتاب‌ها به نمایش درآمد و کتاب‌ها رونمایی شدند. سری جدید این کتاب‌ها با عناوین چشم ۲۲: هنگامه گلستان، چشم ۲۳: امید صالحی، چشم ۲۴: امید نعم‌الحبیب، چشم ۲۵: ایمان صفایی، چشم ۲۶: محسن یزدی‌پور، چشم ۲۷: احسان بهمنش، چشم ۲۸: رامتین زاد، چشم ۲۹: بهنام صدیقی، چشم ۳۰: پیمان شفیعی، چشم ۳۱: بابک کاظمی به آثار هشت عکاس و دو کتاب آثار طراحی اختصاص دارد.

دوربین ۲۰۰ مگاپیکسلی به بازار می‌آید

شرکت آلمانی Hasselblad اعلام کرده است تا سال ۲۰۱۱ میلادی، دوربین دیجیتال ۲۰۰ مگاپیکسلی خود را وارد بازار می‌کند. به گزارش ایتنا، شرکت آلمانی Hasselblad که اغلب دوربین‌های دیجیتالی با امکانات معمولی تولید می‌کند و تخصصی در طراحی دوربین‌های دیجیتالی حرفه‌ای ندارد، لنز جدید ۲۰۰ مگاپیکسلی خود را روی قاب مدل قبلی دوربین خود قرار خواهد داد و تا سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۱ میلادی به طور رسمی در بازار به فروش می‌رساند.گفتنی است معمولاً دوربین‌های تولیدشده توسط این شرکت دارای کیفیت متوسط هستند و سرعت پایینی در عکسبرداری و تحلیل عکس به صورت دیجیتالی دارند، بر این اساس گفته می‌شود دوربین ۲۰۰ مگاپیکسلی این شرکت می‌تواند بیشتر به صورت یک جنس تزیینی مورد استفاده قرار گیرد. به گفته کارشناسان، سرعت پایین در عکسبرداری و همچنین وضوح تصویر فوق‌العاده بالایی که در این لنز به کار گرفته شده باعث می‌شود عکسبرداری از یک صحنه معمولی با این دوربین ۲۰۰ مگاپیکسلی نزدیک به ۳۰ ثانیه زمان لازم داشته باشد. با این وجود مسوولان این شرکت آلمانی امیدوارند این دوربین ۲۰۰ مگاپیکسلی بتواند در برخی از کاربری‌های اداری و تجاری مورد استفاده قرار گیرد و فناوری‌های موجود در این دوربین بتواند رضایت کاربران را جلب کند.حجم بالای تصاویر ذخیره شده از طریق عکسبرداری با این دوربین و همچنین زمان زیادی که به منظور عکسبرداری با این دوربین هدر می‌رود، منبع انرژی این دوربین را نیز به سرعت تخلیه می‌کند و این امر می‌تواند مشکلات زیادی برای کاربران این نوع دوربین‌ها به همراه داشته باشد.

گالری

نام نمایشگاه	عکاس	نام گالری	ساعت	اختتامیه
بانگ چرخ	بابک برزویه	پردیس ملت	۱۱ تا ۲۰	امروز
دختران سرزمین من	ساسان مویدی	عکسخانه شهر	۹ تا ۱۷	۲۶ مهر
آثار تاریخی شهر کاشان	نمایشگاه گروهی	موزه اصفهان	۹ تا ۱۴	۱۲ مهر
کتاب عالی	احمد عالی	ماه مهر	۱۶ تا ۲۰	۱۹ مهر
پاکستان سیل زیبایی	مرتضی‌نیکوبذل	باغ فردوس	۱۰ تا ۲۲	۳۰ مهر

پیشنهاد

رونمایی از سری جدید کتاب جنگ تحمیلی

انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به مناسبت آغاز سی‌امین سالگرد جنگ تحمیلی طی مراسمی از کتاب شهدا، نهمین جلد از مجموعه کتاب جنگ تحمیلی دفاع در برابر تجاوز (The Imposed War) رونمایی کردند. از همان نخستین روزهای جنگ که عکاسان متعهد دوش به دوش رزمندگان به ثبت لحظه‌های دفاع مقدس می‌پرداختند، ضرورت انتشار تصاویر جنگ برای مردم ایران و جهان احساس می‌شد. در پی احساس همین ضرورت، ستاد تبلیغات جنگ مجموعه‌ای تصویری به نام «دفاع در برابر تجاوز» را در شش جلد چاپ و توزیع کرد. در ابتدا وجه حماسی و شورانگیز این واقعه پررنگ‌تر بود، اما در ادامه و خصوصاً در سال‌های بعد از جنگ وجه اسنادی این عکس‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار شد. حدود ۲۰ سال پس از پایان جنگ تحمیلی انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس به پشتیبانی بنیاد حفظ آثار، انتشار این کتب را به‌صورت موضوعی با رویکردی نو در محتوا از سر گرفت. جلد هفتم و هشتم با موضوعات «زن در دفاع مقدس» و «خرمشهر» به همت این انجمن جمع‌آوری و منتشر شد. نهمین جلد کتاب، در ادامه انتشار موضوعی این مجموعه با عنوان «شهدای جنگ تحمیلی» است. روایت کتاب، از هجوم ارتش عراق به مرزهای ایران و آوارگی مردم مرزنشین در جنوب و غرب ایران آغاز می‌شود؛ روایتی که تا معراج‌الشهدا و تشییع‌های باشکوه کاروان شهدای تفحص‌شده در گوشه‌گوشه کشور تداوم می‌یابد. و این روایتی است بی‌سرانجام، که سرانجام آن را تنها می‌توان در چشم‌های منتظر مادرانی یافت که هنوز به چارچوب در خانه‌هایشان خیره مانده‌اند... این کتاب مشتمل بر ۲۷۵ اثر، از ۱۰۵ عکاس فراهم آمده و انتخاب‌شده از میان هزاران قطعه عکس است. آنچه این مجموعه را در نوع خود متمایز می‌سازد، تلاشی است که برای جمع‌آوری و عرضه اطلاعات مربوط به هر عکس در کنار اثر صورت گرفته که استفاده دقیق‌تر و وسیع‌تر محققان و پژوهشگران را از این کتاب ممکن می‌کند.

آموزش

عکاسی در محیط‌های خیلی نورانی

آیا می‌خواهید عکس‌های خوبی در ساحل یا هر محیط بیرونی‌ای که وضعیت نوری خیلی روشنی دارد، بگیرید؟ شما می‌توانید با مهار کردن شدت نور، عکس‌های دوست‌داشتنی و خوبی را که می‌خواهید بگیرید.

عکاسی از چهره افراد به ویژه در چنین نورهایی مشکل است، زیرا معمولاً سایه شدیدی زیر چشمان‌شان می‌افتد. یکی از راه‌ها برای پرهیز از این مساله این است که موقعیت سوژه را تغییر دهید. روش دیگر (که یک راه‌حل عمومی در عکاسی در محیط‌های پرنور است)، قرار دادن تنظیم حساسیت دوربین (ISO) روی پایین‌ترین حد آن است. پایین آوردن این تنظیم به شما کمک می‌کند که بتوانید با سرعت شاتر مناسب و متعادل عکاسی کنید، بدون اینکه عکس شما دچار نوردیدگی زیاد (Overexpose) شود. این کاهش حساسیت، همچنین تاثیر مختصری هم بر بهتر شدن کیفیت چاپ عکس شما دارد.

استفاده از یک هود برای لنز هم می‌تواند کمک فراوانی به شما در عکاسی در نورهای شدید بکند. هود مثل یک فنجان دور دهانه لنز قرار می‌گیرد و جلوی پرتوهای ناخواسته اضافی اطراف را می‌گیرد. با استفاده از هود، دایره‌های روشن کوچکی که به نام نقاط خورشیدی می‌شناسیم و در عکس‌های گرفته‌شده در محیط پرنور دیده می‌شود، حذف می‌شوند.

یکی از چالش‌های عکاسی در نور زیاد، استفاده از سرعت شاتر پایین است که موجب نوردیدگی زیاد تصویر می‌شود، به طوری که شما بعضی از خصوصیات نادر و ناب عکس‌هایی را که با زمان نوردهی زیاد می‌توانید به دست آورید، از دست می‌دهید. یک راه خوب استفاده از فیلترهای ND است؛ این فیلترها حجم نور واردشده به لنز را کاهش می‌دهند بدون اینکه تاثیری روی رنگ‌ها بگذارند. ضمناً یک فیلتر UV هم می‌تواند مفید واقع شود، به این ترتیب که با کاهش پرتوهای نامرئی ماورای بنفش محیط، کمی از نور واردشده به لنز را کاهش می‌دهند.